

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال سیزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۶ Scopus

صص ۲۳۰-۲۰۳

تحلیل چشم‌انداز ژئوپلیتیک ارمنستان در دوره اشکانی؛ با استناد به یافته‌های باستان‌شناسی

دکتر رضا رضالو- دانشیار باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی
نعمت حریری* - دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی
دکتر کریم حاجی‌زاده - استادیار باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی
شب‌بو محمدی - کارشناس ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۷

چکیده

ارمنستان از دیرباز به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک خاص خود، توجه بسیاری از اقوام و ملل مختلف را جلب کرده است، به گونه‌ای که این کشور با موقعیت راهبردی آن به کانون اصلی جنگ‌های ایران و روم در عصر اشکانی بدل شده بود؛ منازعاتی که سرانجام در دوران حکومت ساسانیان، با تقسیم ارمنستان میان این دو قدرت بزرگ به پایان رسید. ارتش روم بارها در رویارویی با نیروهای پارتیزان اشکانی در دشت‌های بین‌النهرین مغلوب و سرانجام برای رفع ناکامی‌های خود، از جغرافیای طبیعی ارمنستان به‌منظور نفوذ و لشکرکشی استفاده کرد. به همین منظور و در راستای اقدامات رومی‌ها که این منطقه را برای لشکرکشی به داخل ایران انتخاب نمودند، دولت اشکانی برای مقابله با حملات متناوب آنها، رشته استحکامات تدافعی در گذرگاه‌های طبیعی ورودی به فلات ایران ایجاد کرد. در این پژوهش، با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با روش میدانی و کتابخانه‌ای و با استناد به منابع مکتوب تاریخی و داده‌های باستان‌شناختی که شامل بررسی قلاع دوره اشکانی و مستندات باستان‌شناسی بوده به مطالعه ارتباطات و منازعات مابین ملل قدرتمند در دوران اشکانی پرداخته شده است. همچنین مطالعه فوق به بازشناسی روابط بین دو امپراتوری مذکور و به تبع آن شناخت جغرافیایی سیاسی- نظامی ارمنستان توجه کرده است. نتیجه به دست آمده نشان‌دهنده اهمیت موقعیت ژئوپلیتیک ارمنستان، در روابط سیاسی- نظامی ایران با کشورهای همسایه و رقبا بوده است.

واژه‌های کلیدی: ارمنستان، ایران، اشکانی، روم، چشم‌انداز ژئوپلیتیک، باستان‌شناسی.

E-mail: hariri.nemat@gmail.com

*نویسنده عهده‌دار مکاتبات

۱- مقدمه

یکی از مسائل مهم باستان‌شناسی، تاریخ و جغرافیای سیاسی، مسئله مربوط به روابط بین حکومت‌هاست؛ به‌ویژه امپراطوری‌هایی که عمری دراز داشته‌اند. این روابط اغلب تأثیر گرفته از مجموعه عواملی تحت لوای اصطلاح ژئوپلیتیک بوده‌اند. به‌طور کلی مفاهیمی از قبیل؛ قدرت، نزاع، همگرایی، سلسله مراتب قدرت، حوزه نفوذ، رقابت، تصمیم‌گیری، بحران، کنترل، سلطه و نفوذ، صلح و همکاری، منابع و محیط، فضا، عوامل ایستا (ثابت)، عوامل پویا (متغیر)، منافع ملی و غیره در ژئوپلیتیک یافت می‌شوند (Mehrabi, 2007: 6). ارمنستان به‌دلیل دارا بودن منابع زیرزمینی بسیار، هم‌جواری با کشورهای مهم خاور نزدیک و در نهایت قرار گرفتن بر سر راه جاده ابریشم یکی از کشورهای مهم محسوب می‌شد که دستیابی به آن به‌منزله فتوحات بزرگ دیگر بود، آنچه این مهم را برای روم حیاتی می‌کرده است؛ کوهستانی بودن ارمنستان بوده به‌طوری که دیگر سپاه روم در دشت‌ها گرفتار حملات نامنظم سپاهیان پارت نمی‌شد و راه برای پیشروی ارتش روم آسانتر بوده است. پژوهش با این فرض که روابط ایران و روم تحت‌تأثیر تسلط بر ارمنستان بوده به بررسی چگونگی این تأثیر بر روابط سیاسی بین حکومت‌ها پرداخته است. در خصوص پیشینه پژوهش پیش‌رو، به دو نوع تحقیقات می‌توان اشاره کرد؛ تحقیقاتی که مربوط به ژئوپلیتیک و روابط امروزی ارمنستان هستند (Javadi Arjmand and Dolatyari, 2012) و پژوهش‌های که مربوط به روابط تاریخی ارمنستان با سایر ملل هستند (Hossein Talai, 2013; Talai, 2009). همچنین کتب و مقالات بسیاری در زمینه فرهنگ و تمدن اشکانی و ادوار تاریخی ارمنستان به رشته تحریر آمده است. اما نوآوری که در این پژوهش اهمیت دارد، استفاده از داده‌ها و منابع باستان‌شناسی برای ارائه جزئیات بیشتر در خصوص جغرافیای سیاسی و دیگر ابعاد ارمنستان است. اهداف پژوهش را به‌طور خلاصه می‌توان به‌صورت زیر بیان کرد:

- تحلیل موقعیت جغرافیایی ارمنستان و تأثیر آن بر قدرت‌های وقت منطقه (ایران و روم)؛
- تحلیل جایگاه سلسله اشکانی در نظام سیاسی ارمنستان؛
- معرفی و ساز و کارهای تدافعی یا بلعکس هجومی برای تهدیدهای ارمنستان.

۲- روش تحقیق

اطلاعات اولیه پژوهش حاضر از طریق مطالعات کتابخانه‌ای برگرفته شده و اطلاعات ثانویه آن با مطالعات میدانی - پیمایشی، جمع‌آوری شده است، لذا هم از روش کیفی و هم کمی استفاده شده است. در این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی دستیابی به اهداف مورد نظر صورت گرفته است. قلعه‌های اشکانی مورد مطالعه در این مقاله در طی بررسی‌های میدانی شناسایی و به روش تحقیق تفسیری تحلیلی، مستند نگاری شده است.

۳- مبانی نظری

۳-۱- ایران در دوران اشکانی

درباره تاریخ اولیه پارت‌ها؛ از هزاره دوم تا سده ششم پیش از میلاد، می‌توان اظهار داشت که در سه ناحیه ترکمنستان با فرهنگ داهستان، کوپه داغ با فرهنگ پارتیان آرخوسیا یا فرهنگ نمازگاه ششم و دلتای مرغاب با فرهنگ مرغاب اساس دولت پارت پایه‌ریزی کرده، به گونه‌ای که می‌توان گفت تنها در زمان هخامنشیان یا یونانیان، شهرها یا بافت شهری شکل نگرفته است (Mohammadi Far, 2000: 24-26). مورخان بر این باورند که اشکانیان در ابتدای شکل‌گیری و توسعه قدرت و سلطنت خود، پارتیان نامیده می‌شدند. علت این نام‌گذاری تعلق آنها به تیره ایرانی پرنی از اتحادیه داهه و از عشایر سکای باختر بود که در ایالت پارت سکنی داشتند (Dyakonov, 1999). قبایل مهاجم داهای یعنی پارنی‌ها، در حدود سال ۲۵۰ ق.م، تحت رهبری سلسله اشکانی در صدد برآمدن تا ساتراپی هیرکانی - پارنی را که در جنوب شرقی دریای خزر قرار داشت، تحت سیطره خود درآوردند (Ghirshman, 1997: 86). در قرن سوم پیش از میلاد، که سلوکیان در ایران، به نبرد برای تثبیت قدرت خود سرگرم بودند، دو برادر به نام‌های ارشک و تیرداد اعلام استقلال کردند و با جنگجویان بسیار به ایالت‌های مجاور پارت یورش بردند. در این زمان سلوکوس دوم (۲۴۶-۲۲۶ ق.م) طی قرارداد صلحی، اختیارات ارشک را در ایالت پارس به رسمیت شناخت و به این ترتیب یک قدرت سیاسی جدید تحت عنوان اشکانیان وارد عرصه شد (Ghirshman, 1993: 286-87). دوره ۴۷۰ ساله حکومت اشکانی را می‌توان به سه دوره

کوتاه‌تر تقسیم کرد، دوره‌ای که به تحکیم مبانی دولت جوان خود پرداخته‌اند، دوره دوم، دوره‌ای است که به‌عنوان دوران عظمت دولت اشکانی از آن یاد می‌شود و در نهایت دوره افول این حکومت (Ghadyani, 2005: 161). در خصوص حدود غربی ایران در این دوره باید گفت که منطقه شمال‌غرب ایران در دوره اشکانی، بخشی از ایالت نیمه مختار آتروپاتن بوده است. این منطقه در دوران اشکانی در معرض تحولات و رخدادهای سیاسی- فرهنگی متعددی قرار گرفته است (Aqalari and Deh Pahlavan, 2011: 15).

۲-۳- جغرافیای طبیعی، سیاسی، نظامی ارمنستان

ارمنستان سرزمینی کوهستانی است و ارتفاع متوسط آن از سطح دریا ۲۰۰۰ متر است (Roshandel and Gholipoor, 1996: 3). زندگی تاریخی ارمنیان در جغرافیایی به نام فلات ارمنستان معروف است که ارمنستان امروزی در شمال‌شرقی آن واقع گردیده است. کوه‌های مهم آن آرارات بزرگ و کوچک، آراکاتس و سپیان نام دارد، رودهای دجله و فرات از کوه‌های ارمنستان سرچشمه می‌گیرند. این کشور با مساحتی بالغ بر ۲۹۸۰۰ کیلومتر مربع در جنوب قفقاز (Javadi Arjmand and Dolatyari, 2012: 197) و شرق آسیای صغیر قرار داشته، موقعیتی که عامل نزاع‌های بین دو امپراتوری ایران و روم بوده است. در بیشتر کتیبه‌های به زبان پارسی باستان، بابلی و ایلامی از کل مناطق واقع در جنوب کوه‌های قفقاز تا فلات ایران با نام ارمنیه یاد شده است (Hovsepian, 2011: 1). تاریخ ارمنستان پویاست، دائماً تکرار می‌شود و ملت ارمنستان یک احساس مشترک دارند که زمانی یک ملت بزرگ بوده‌اند اما تحت تأثیر عوامل مختلف، به‌ویژه در اثر کنش متقابل با قدرت‌های اشغالگر و سلطه‌جو، به ملتی کوچک تبدیل شده‌اند (Libaridian, 1981: 2). ارمنستان به‌نوعی یک تقاطع استراتژیک محسوب می‌شود (Giragosian, 2009: 114).

ژئوپلیتیک یا جغرافیای سیاسی؛ نوعی مطالعه تأثیر عوامل جغرافیایی بر روابط ملل است (Javadi Arjmand and Dolatyari, 2012: 197)، در این نوع جغرافیا؛ مکان قلمروی است در مقیاس‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی که حاصل تعامل انسان و محیط پیرامون او

هست. با توجه به موارد فوق‌الذکر جغرافیای سیاسی را می‌توان چگونگی سازماندهی سیاسی فضا در یک مکان مشخص به‌عنوان یکی از اجزای نظام جهانی تعریف کرد (Mirhaydar and Hamidinia, 2006: 7). جغرافیای سیاسی حلقه اتصالی بین جغرافیا و علوم سیاسی است و علوم سیاسی نیز با توجه به تعریف کاربردی آن با رفتار و فعل و انفعالاتی سروکار دارد که منجر به تصمیمات اجرائی مهم و اجرای آن در سطح جامعه می‌گردد (Mirhaydar, 1986: 22).

تاریخ ارمنستان و رفتارهای آرامنه بیش از هر قوم دیگری از وضعیت جغرافیایی آنان متأثر است (Gheysari and Goudarzi, 2009: 125). این کشور در طول تاریخ بشر در منطقه خاورمیانه همواره محل تلاقی اندیشه‌ها و تمدن‌های بزرگ بوده است، درواقع از نقطه نظر استراتژیک، ویژگی کوهستانی بودن این کشور عامل اصلی توجه امپراطوری‌های بزرگ به آن بود و درواقع به‌عنوان دژ طبیعی عمل می‌کرد که اگر مرزهای امپراتوری در آنجا قرار می‌گرفت می‌توانست به‌عنوان یک حصار طبیعی مطلوب، امنیت ملی امپراتوری را تضمین کند (Roshandel and Gholipoor, 1996: 29). این سرزمین به جهت مکان جغرافیایی و استراتژیک ویژه خود و به جهت داشتن دشت‌های حاصلخیز و سرچشمه‌های زیرزمینی و همچنین واقع شدن در مسیر راه تجارتهی ابریشم که شرق را به غرب متصل می‌کرد، یکی از اسباب کشمکش‌های میان دولت ایران و روم در دوره اشکانیان و ساسانیان بوده است (Hossein Talai, 2009: 86). در خصوص مرز باستانی ایران و ارمنستان مستندات خاصی در دسترس نمی‌باشد، از آنچه که از پژوهش‌های صورت گرفته برمی‌آید، حتی در شاهنامه هم به خاطر عدم وجود قهرمانان اساطیری در آذربایجان و سرزمین‌های ماوراء، مرزها و سرحدات به‌صورت مکتوب مشخص نشده است (Tahami and kaviani Rad, 2015:110). به همین خاطر به‌نظر می‌رسد مرزهای طبیعی مانند رودخانه ارس یا ارتفاعات و کوهستان‌ها را می‌توان به‌عنوان مرزهای باستانی قلمداد کرد.

در خصوص جغرافیای نظامی، عده‌ای محققین اعتقاد بر این دارند که از دوران باستان انجام پژوهش‌های جغرافیایی با انگیزه کشورگشایی یا دفاع صورت می‌گرفت که به این منظور نقشه تهیه می‌شد، به بیان دیگر، پژوهش‌های جغرافیایی همواره با حوزه قدرت و حاکمیت ارتباط

تنگاتنگی داشته است. عده‌ای جغرافیای نظامی را در حقیقت کاربرد عملی آثار و عوامل جغرافیایی در طرح‌ریزی‌ها، استقرار امنیت و دفاع در مقابل تهدیدات دانسته و شناخت و پی‌بردن به اهمیت و ارزش پدیده‌های طبیعی و جغرافیایی و نیز هنر به کاربری آنها در سطوح مختلف نبرد را جغرافیای نظامی می‌دانند (Ajdari, 2005: 87).

۳-۳- تاریخ سیاسی ارمنستان

در روایات ارمنی، چندین افسانه درباره اصل و منشأ ملت ارمنی آمده است. مهم‌ترین آنها درباره بعل^۱ و هایک^۲، قهرمان و سر دودمان ارمنی‌ها سخن می‌گوید که خود را هایک می‌نامند نه ارمنی (Behzadi, 2003: 63). براساس تاریخ ارمنستان هایک یک ناخارار (از بومیان ارامنه که منشأ پیدایش آنها مشخص نیست)^۳ است که علیه بعل شورش می‌کند و در نواحی شمالی مستقر می‌شود و مردم آن منطقه را فرمانبردار خود می‌سازد. او در طی نبردی بعل را می‌کشد و به پاس این پیروزی کشورشان را هایک می‌نامند (Khorenatsi, 2001: 76-79). خورنی در بخشی از کتاب خود با عنوان «تاریخ ارمنیان»، با عنوان «سلسله پادشاهان ما و شمار آنها از پدر به فرزند» به معرفی پادشاهان نخستین ارمنستان می‌پردازد و عنوان می‌کند که نخستین پادشاه از بومیان ارمنستان به دست واریاکس مادی (پادشاه ماد) تاجگذاری کرده و این سلسله تا نهمین پادشاه بومی ارامنه؛ یعنی تیگران ادامه پیدا می‌کند (Khorenatsi, 2001: 95). با قدرت گرفتن هخامنشیان در ایران، به تدریج ارمنستان، تحت سلطه امپراتوری هخامنشی قرار گرفت و بعد از آن یا تحت سلطه ایرانیان بود یا رومیان و در برخی از دوران نیز به صورت مستقل به زندگی سیاسی خود ادامه داده است (Pirnia, 2004: 197). آگاهی در خصوص ساختار سیاسی و اجتماعی ارمنستان در روزگار هخامنشیان اندک بوده است. مظاهر مختلف نظام ملوک‌الطوایفی اشکانی که در زمان فرمانروایی سلسله آرتاکسات‌ها دیده می‌شود، بعد از فروپاشی دولت سلطنتی

۱- بعل همان نمرود ذکر شده در کتاب مقدس است (Khorenatsi, 2001: 73).

۲- در کتاب خورنی هایک از خانواده یافت و از نژاد سام در کتاب مقدس می‌باشد (Khorenatsi, 2001: 68).

۳- در ذیل نامه واغارشاک به آرشاک پادشاه پارس، تاریخ ارمنیان (Khorenatsi, 2001: 75).

ارمنستان، به‌ویژه بخش‌هایی از آنکه در تصرف ایرانیان قرار گرفت، باقی ماند. اوج قدرت ارمنیان در زمان حکومت تیگران، ملقب به تیگران کبیر، بوده است. نخستین اقدام وی تصرف سرزمین سوفنه^۱ است که به‌موجب آن، دو قلمرو دیگر را به خاک ارمنستان اضافه می‌کند. در پی این گسترش قدرت روزافزون، دولت روم شرقی حالت بی‌طرفی خود را کنار گذاشت، زیرا دولت تازه تأسیس ولی نیرومند ارمنستان، تهدیدی جدی برای متصرفاتش تلقی می‌شد (Behzadi, 2003: 63). در دوره مهرداد اول اشکانی، ارمنستان به حکومت واغارشاک ارمنی، بر دولت سلوکی شوریده و جدا شد (Pirnia, 2004: 2209).

در اواسط قرن اول میلادی و در زمان حکومت بلاش اول، پادشاهی ارمنستان را به برادر کوچک خود، تیرداد بخشید (Ahmadi and Hossein Talai, 2007:338; Vrstandik, 2013: 12). از این زمان یعنی به سال ۵۳م. سلسله آرشاکونی ارمنستان آغاز شد، که با مخالفت‌هایی از سوی دولت روم مواجه شد ولی نهایتاً در سال ۶۳م. در پی پیمان صلحی به نام راندیا توافقی حاصل شد (Toumanoff, 1963: 190; Welski, 2012: 190; Vrstandik, 2007:338; 77). توافقی حاصل شد که به‌موجب آن تاج و تخت به شاهزاده ایرانی تعلق داشته ولی اعطای تاج و تخت توسط رومیان صورت می‌گرفت، توافقی که چهارصد سال به حضور سلسله آرشاکونی در ارمنستان منجر شد (Varjavand, 1999: 364). اما به اعتقاد گارسویان سلسله آرشاکونی ارمنستان در ۱۲م توسط ونون پایه‌گذاری شد. ونون از فرزندان فرهاد چهارم بود که در زمان پادشاهی پدرش به روم فرستاده شد، بعد از مرگ فرهادک و ارد سوم و به درخواست دربار اشکانی، به ایران آمد و بنا به تمایلات یونانی و رومی خود توسط اردوان از حکومت برکنار شد. او بعد از این وقایع به ارمنستان رفت و در ۱۲م در آنجا پادشاهی خود را بر آن ناحیه تحمیل کرد (Ahmadi and Hossein Talai, 2013: 13).

با شکست اردوان پنجم از اردشیر، فرمانروایی پانصد ساله پارتیان خاتمه یافت. آنها بعد از چیرگی بر ایران و تصرف قلمرو اشکانیان، وجود سلطه‌ای از ایشان را بر تخت سلطنت ارمنستان تهدیدی برای خود تلقی کردند و از سال ۲۲۸م به بعد، ساسانیان نخستین حمله را به خاک

ارمنستان آغاز کردند. در واقع اشکانیان چون به نتیجه قطعی در مورد ارمنستان نرسیدند، این درگیری را برای ساسانیان به ارمغان گذاشتند (Hossein Talai, 2009: 87-89).

۴-۳- تعاملات فرهنگی - سیاسی در تاریخ روابط ایران و ارمنستان

تعاملات فرهنگی بین دو کشور ایران و ارمنستان به دوران ما قبل تاریخ باز می‌گردد، به گونه‌ای که وجود فرهنگ کورا-ارس در منطقه شمال غرب ایران، اغلب به صورت مهاجرت‌هایی از منطقه قفقاز یا شرق آناتولی به ایران نگریسته می‌شود (Rezaloo and Zabanband, 2015: 18). ارمنستان از زمان امپراتوری ماد، تحت نفوذ ایرانیان بوده، این نفوذ از دیدگاه دینی، تا زمان مسیحی شدن کشور به دست «گریگوری روشنگر» در نیمه قرن سوم ادامه داشت. ارامنه و ایرانیان؛ هر دو از نژاد آریایی بودند که به جهت نزدیکی جغرافیایی در زمینه‌های گوناگون همچون ادیان و عقاید، نکات مشترکی داشته و تأثیرگذار بوده‌اند (Javadi, 2014: 35). این کشور در طول تاریخ همواره جزئی از امپراتوری قدرتمند ایران محسوب می‌شد. به گونه‌ای که بنا به گفته دکتر پیرنیا، در کتاب تاریخ ایران باستان، این کشور بعد از قدرت گرفتن هخامنشیان بخشی از امپراتوری هخامنشی بود. اولوبابیان در این مورد می‌نویسد: "بالاخره داریوش موفق می‌شود ارمنستان را تحت سلطه خود درآورد". منابع یونانی این موضوع را تصدیق می‌کنند که سرزمین ارمنی‌ها به دو قسمت تقسیم شده بود و این سرزمین‌ها جزء سیزدهمین و هجدهمین ساتراپ درآمدند که احتمال می‌رود مرکز امور اداری ساتراپ سیزدهم در وان ترکیه بوده است (Ulubabian, 1991: 114). از طرفی با توجه به حکومت چهارصد ساله آرشاکونی در ارمنستان، می‌توان اظهار داشت که در بیشتر مواقع، بخشی از دولت قدرتمند ایران تلقی می‌شد. با این تفسیر در خصوص تعاملات فرهنگی - سیاسی دو کشور ایران و ارمنستان در طول تاریخ باید اظهار داشت که نوع فرهنگ و سیاست داخلی کشور ارمنستان تحت تأثیر ایران بوده است. اولین برخورد جدی میان ارمنیان و اشکانیان در پی گسترش متصرفات اشکانیان و توجه به ارمنستان به قصد تصاحب این کشور بود. پارت‌ها به ارمنستان هجوم بردند و در پایان نبرد، پادشاه ارمنستان که تیگران نام داشت، برای اثبات حسن نیت خود، فرزندش تیگران را به عنوان

گروگان به آنها سپرد و چون تیگران بخش بزرگی از زندگی خود را در میان پارت‌ها سپری کرد، بعد از مرگ پدرش با حمایت اشکانیان توانست به پادشاهی ارمنستان منصوب شود، مهرداد دوم او را در این زمینه یاری کرد و تیگران دوم ملقب به کبیر، به جبران این خدمت، هفتاد جلگه از خاک ارمنستان را به آنها واگذار کرد (Manoukian, 2008). وی بعدها در پی تصرفاتش این هفتاد جلگه اهدایی و چند منطقه از خاک پارت‌ها، از جمله کردون^۱ را به متصرفات خود افزود، علاوه بر آن متحد پارت‌ها یعنی آتروپاتن را نیز فتح کرد (Marquart, 1994: 208). در ادامه فتوحاتش به پایتخت‌های اشکانی یورش برده و موفق به تصرف آنها شد. با ادامه این روند، دولت اشکانی به انعقاد پیمان صلحی تن داد که به موجب آن از عنوان شاهنشاه^۲ که نماد حکومت عالی در آن زمان و مخصوص پادشاهان اشکانی بود، چشم‌پوشی کردند؛ قراردادی که راه را برای تیگران در دستیابی به هدف اصلی خود که ایجاد یک شاهنشاهی بزرگ و حکمرانی بر آن بود، هموار می‌ساخت، با توجه به اینکه تیگران مدتی را بین پارت‌ها زندگی کرده بود به رموز سیاسی آنها آگاه گشته بود، با مطالعه و آگاهی فراوان به توسعه قدرت سیاسی خود و سرزمین ارمنستان پرداخت (Pirnia, 2004: 2275). در این زمان توجه رومی‌ها به شرق معطوف شد و برای تصرف ارمنستان با تیگران وارد جنگ شدند که در نهایت موجب از دست رفتن بخشی از متصرفات تیگران و کاهش قدرت شاهنشاهی ارمنستان شد. تیگران برای دفع این بحران مجبور به جلب حمایت پارت‌ها شد و به این منظور گروهی را نزد فرهاد سوم فرستاد و از وی تقاضای اتحاد علیه رومیان کرد. فرهاد سوم با توجه به برتری قدرت رومیان نسبت به ارمنیان، وارد مذاکرات صلح با رومیان شد و پیشنهاد صلح آنان را پذیرفت (Manoukian, 2008). ارمنستان تا قرن اول میلادی که تیرداد، برادر بلاش اول، توسط نرون؛ پادشاه وقت روم، به پادشاهی ارمنستان انتخاب شد، به‌طور مستقل به حیات خود ادامه می‌داد اما از این زمان به بعد دچار چند دستگی شد (Ahmadi and Hossein Talai, 2013: 9). قدرت اشکانیان در سده دوم میلادی

۱- پیرنیا این ناحیه را کردستان دانسته که در آن زمان از دولت‌های تحت‌الحمایه پارت بود.

۲- لازم به ذکر است که لقب شاهنشاه در آن زمان وجهه سیاسی خاصی داشت به‌گونه‌ای که پادشاهان با ملقب ساختن خود به این لقب قصد ایجاد قدرتی نیرومند در صحنه سیاسی جهان آن روزگار داشتند.

روند رو به ضعف خود را آغاز کرد و در نهایت در سال ۲۲۴ میلادی با شکست اردوان پنجم از اردشیر ساسانی، حکومت ۴۷۰ ساله اشکانیان خاتمه پیدا کرد اما با این حال چراغ عمر امپراتوری اشکانی به یکباره خاموش نشد و پادشاهی‌های محلی مانند میان‌رودان، ماد و ارمنستان در اختیار اشکانیان بودند (Hossein Talai, 2009: 89). در این زمان شاه ارمنستان و اردوان به یاری هم وارد جنگ با اردشیر شدند که نهایتاً اردشیر، با «بابا»، پادشاه وقت ارمنستان پیوند آشتی بست و بر اردوان چیره شد (Hossein Talai, 2009: 92). این کشور تا زمان شاپور اول ساسانی جزئی از امپراتوری قدیم اشکانی به شمار می‌آمد که حتی اردشیر نیز موفق به برانداختن حکومت اشکانی در آن نشده بود، چرا که اردشیر در اوایل حکومت خود در پی حمله به ارمنستان، سوریه و کاپادوکیه، با امپراتوری روم و امپراتور الکساندر سِوروس رومی درگیر شد. نهایتاً این کشور در زمان شاپور به سال ۲۵۲ م. با قتل خسرو شاه، شاه اشکانی ارمنستان به ولیعهدنشین ایران در دوران ساسانیان بدل شد (Daryae, 2004: 13-23).

به لحاظ فرهنگی، تعاملات سیاسی در زبان هر دو ملت تأثیرات غیرقابل انکاری گذاشته بود، به‌گونه‌ای که پیوند نزدیکی در واژگان آنها به چشم می‌خورد. با توجه به منابع تاریخ‌نگاری ارمنی، نقش پارت‌ها به‌عنوان حاکمان اولیه ارمنیان به‌طور کامل روشن است. در واقع نوعی استقراس واژگانی در پی ارتباطات سیاسی - اجتماعی صورت می‌گیرد (Meyer, 2013: 401-402). به بیان دیگر، ارمنی زبانی ترکیبی از شاخه هند و ایرانی به‌شمار می‌آید؛ یک نوع زبان ترکیبی که همراه با نوآوری است. ارمنستان به‌عنوان شالوده اجتماعی ادراک شده، زبان طبقه حاکم اشکانی تلقی می‌شد و به‌نوعی زبان مقصد بوده است (Meyer, 2013: 422-423). در تمام مدتی که اشکانیان یا پادشاهانی از اصل و نسب اشکانیان بر ارمنستان حکومت می‌راندند، بسیاری از کلمات ایرانی وارد واژگان ارمنی شد و حتی بعضی از عبارات، از شیوه سخن گفتن ایرانیان تقلید گردید (Behzadi, 2003: 75).

بازرگانی؛ پایه اصلی اقتصاد ارمنستان را تشکیل می‌داد. سلطنت تیگران کبیر، پیش از پیروزی های رومیان، به‌گونه‌ای که از نوشته‌های پلوتارخ بر می‌آید، دوره‌ای بسیار مرفه‌تری بوده است. در دوره اشکانیان، راه اصلی به سوی مدیترانه، از جنوب دریای کاسپی می‌گذشت و از طریق اکباتان،

تیسفون و سلوکیه به سوریه می‌رسید (Behzadi, 2003: 72). تأسیس جاده بازرگانی ابریشم، بی‌گمان یکی از برجسته‌ترین تحولات اقتصادی و ارتباطی در جهان قدیم بوده، که سهم ایران، روم و ارمنستان در رونق این جاده اهمیتی به‌سزا داشته است (Mahmoodabadi, 2004: 1).

۳-۵- منازعات ایران و روم بر سر ارمنستان

نخستین ارتباطات میان ایرانیان و رومیان در زمان مهرداد بزرگ به‌وقوع پیوست. این ارتباط در بادی امر دوستانه بود و مهرداد می‌خواست در مقابل مشکلاتی که برای دولت پارت و جمهوری روم در آسیای صغیر و ارمنستان پیش می‌آمد، هر دو دولت دست یگانگی به هم داده و منافعی را حفظ کنند، ولی دیری نمی‌گذرد که این روابط دوستانه به معارضه و جنگ و ستیز مبدل می‌گردد (Pirmia, 2004: 2210). دولت‌های ایران و روم در عرصه رقابت‌های بین‌المللی، هم در بُعد نظامی و هم در بُعد اقتصادی، قوی و تازه نفس بودند. در همه جهان شناخته شده قدیم، چه در قسمت‌های تحت نفوذ سلوکیان در حال نابودی و چه ارمنستان و حتی در چین حضوری بسیار فعال داشتند. هر دو دولت در حال رساندن مرزهای خود به هم، نابودی و تصرف دولت‌های کوچک، متحدسازی و قبضه کردن کلیه قطب‌های اقتصادی دنیای قدیم و به بیان بهتر در رقابت‌های آشکار و پنهان بر سر تقسیم جهان بودند (Mahmoodabadi, 2004: 5). از زمانی حدود ۹۲ ق.م که اشکانیان و روم به خاطر منافعی و دستیابی به سرزمین‌های کرانه مدیترانه با هم برخورد پیدا کردند، نقش ارمنستان در روابط ایران و روم آغاز می‌شود (Hossein Talai, 2009: 86). روم در پی احیای قلمرو شرقی اسکندر مقدونی ناگزیر از حمله به شرق و اشکانیان در پی احیای قلمرو ایران زمان هخامنشی، در فکر حمله به غرب بودند، در نتیجه ارمنستان به‌عنوان نقطه برخورد دو قدرت بزرگ دنیای باستان، در معادلات این دو، نقشی اساسی ایفا می‌کرد. "در منابع آمده که زمانی که اشکانیان به ارمنستان حمله و شهرهای آن را تصرف می‌کردند با مقاومت چندانی مواجه نمی‌شدند، در صورتی که از طرف روم کار به این سادگی نبود" (Gutschmid, 2000: 195-194). رومیان به این واقعیت کاملاً واقف بودند که تسلط بر ارمنستان می‌تواند این سرزمین را همچون دژی در مقابل پیشروی اشکانیان به سمت آسیای

صغیر درآورد و آنان را قادر سازد تا اقوام شمال کوه‌های قفقاز را تحت نفوذ خود درآورند. همچنین می‌توانستند از این طریق راه شاهی را، که از شمال بین‌النهرین می‌گذشت، تحت نظارت خود درآورند و مهمتر از همه اینکه ارمنستان می‌توانست مسیری برای لشکرکشی به شمال ایران باشد. اهمیت این موضوع برای رومیان به وضوح در سگه‌های آنان قابل مشاهده است که در آنها نام ارمنستان چه به صورت متحد و چه در وضعیت تحت نظارت روم، هرچند برای مدت زمان کوتاهی، ضرب شده (Hovsepian, 2011). در جنگی دیگر در حدود ۳۶-۳۷ پ.م، در زمان فرهاد چهارم، مارک آنتونی از طریق خاک ارمنستان وارد ایران شد ولی پادشاه ارمنستان در غیاب با فرهاد چهارم متحد شد و این اتحاد موجب شکست رومیان از ایران شد. در این میان مارک آنتونی از درگیری بین فرهاد چهارم با پادشاه ماد آتروپات، استفاده کرد و به ارمنستان لشکر کشید، و پیروز شد (Welski, 2012: 164-165). در سال ۳۵ م دیپلماسی روم، با آشتی دادن مهرداد؛ شاه ایبر (گرجستان) و برادرش فارس‌مان^۱ که نامزد شاهی ارمنستان بود، کسب موفقیت کرد و پیروزی یافت. سپاهیان ایبری، آلبانیای قفقاز (اران و شیروان) و سرمت‌ها که از دره قفقاز سرازیر شده بودند، دشمن نیرومندی ضد پارتیان به شمار می‌رفتند (Pigulevskaia, 1998: 91).

روم در طی سده‌های اول و دوم میلادی همچنان می‌کوشید تا شخصیت‌های موردنظر خود را که مرجح می‌شمردند بر تخت شاهی پارت و ارمنستان قرار دهد. ولی در بیشتر موارد مراتب اعتراض و شورش آغاز می‌شد که در نهایت مبارزه مداوم سبب کاهش نیروی پارت و ارمنستان شده بود. در واقع مبارزه بر سر تاج و تخت را اردوان اشکانی آغاز نمود. در سال ۱۶ م. ونون؛ شاه ارمنستان به سبب فشارهای وارده از سوی اردوان، ناگزیر به استعفا تن داد. اردوان در پی نشان دادن فرزندش، ارد بر تخت شاهی ارمنستان بود، امری که روم به آن راضی نبود. دو سال بعد تیبریوس رومی تصمیم به نشان دادن پسر خوانده‌اش بر تخت شاهی ارمنستان گرفت. در نهایت زنون، فرزند شاه پونت را به شاهی ارمنستان برگزید و چون با آداب و رسوم ارمنیان آشنا بود، نام آرتاکس را بر خود نهاد (Pigulevskaia, 1998: 91).

منازعات ایران و روم بر سر منافع خویش در ارمنستان در طول تاریخ، همواره بخش زیادی را در تاریخ‌نگاری به خود اختصاص داده است. در واقع بحران ارمنستان در طول حکومت اشکانیان، ذهن پادشاهان این سلسله و امپراتوری روم را درگیر خود کرده بود، به گونه‌ای که هریک به‌منظور دست‌اندازی بر این کشور، وارد جنگ علیه یکدیگر می‌شدند، که از جمله مهمترین آنها می‌توان به نبردهای کراسوس و مارک آنتونی اشاره کرد، در این بین پیروزی‌هایی گاه نصیب ایران و گاه نصیب روم شده است. معروف‌ترین نبرد ایران و روم در زمان ارد به وقوع پیوست که به جنگ کرهه یا حران معروف است. این نبرد به فرماندهی سورنا، سردار ایرانی با سپاه روم به وقوع پیوست که با پیروزی ایرانیان همراه بود. در واقع این پیروزی تأثیر به‌سزایی بر ایرانیان داشته است که در پی آن، ایران از نظر سیاسی به حکومتی مقتدر برابر امپراتوری روم تبدیل شد (Khademi Nodoshan et al., 2015: 55). یکی دیگر از این نبردها مربوط به دوران حکومت بلاش اول است. در این دوره نرون، اولتیماتوم جنگ را صادر می‌کند و کوربولو که به‌منظور کسب مهلت بیشتر، با اشکانیان ارتباط برقرار کرده بود، آماده جنگ می‌شود. او در سال ۵۸ م. مرز ارمنستان را پشت سر می‌گذارد، به‌دنبال آن، بلاش، مردم مشتاق به حکومت اشکانی در ارمنستان را به مقاومت در برابر نیروهای روم، تشویق می‌کند. در نهایت بعد از گذشت یک سال از جنگ، آرتاکسات سقوط می‌کند و کوربولو بعد از به آتش کشیدن شهر وارد تیگراناکرت (تیگرانوسرت) می‌شود (Vrstandik, 2007:342). نبرد راندا، یکی دیگر از سرنوشت‌سازترین جنگ‌های میان ایران و روم بود که تأثیرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عمیقی بر آسیای غربی، به‌ویژه ارمنستان گذاشت. در نتیجه این نبرد اشکانیان موفق شدند شاخه‌ای فرعی از سلسله اشکانی را در سرزمین استراتژیک و ارزشمند ارمنستان مستقر سازند (Yarahmadi and Karimi, 2013: 1). این جنگ‌ها نتیجه قطعی و نهایی در بر نداشت و به‌صورت دوره‌ای و کوتاه‌مدت پیروزی‌هایی نصیب هر یک از دو قدرت بزرگ ایران و روم می‌شد. درگیری بین ایران و روم بر سر ارمنستان به‌خاطر اهدافی بود که هر یک از این دو قدرت در سر می‌پروراندند. بنا به گفته ولسکی، قدرت‌های ایران و روم هرکدام اهداف متفاوتی داشتند، روم آشکارا به‌دنبال تسخیر شرق بود و ایران فروتنانه در پی احیای قدرت هخامنشیان و زیر نفوذ

قرار دادن ارمنستان بودند، که در این میان رومیان جز تصرف ارمنستان و بین‌النهرین به هدف خود نمی‌رسیدند (Welski, 2012: 139-140). بر سر درگیری‌های مداومی که میان دو امپراتوری ایران و روم بر سر ارمنستان در گرفت، سرانجام به توافقی در سال ۶۳ میلادی رسیدند که تاج و تخت به شاهزادگان ایرانی امتیاز اعطای تاج و تخت به وسیله امپراتوری روم صورت گیرد (Hossein Talai, 2009: 86-87). در زمان اردوان پنجم اشکانی، جنگی سخت بین ایران و روم رخ داد. کاراکالا^۱، قیصر ناجوانمرد روم، به‌منظور حمله به شرق ایران، سفیری را به همراه هدایای زیاد به دربار اردوان پنجم شاه ایران فرستاد و خواستار ازدواج با دختر او شد و وانمود کرد که با این کار قصد دوستی و صلح با دولت اشکانی را دارد. اردوان به خاطر وضع ناآرام داخلی که از زمان مرگ بلاش یکم دامن‌گیر خاندان اشکانی شده بود و نبردهای بسیار که در این دوران میان دو کشور درگرفته بود و ویرانی‌هایی که به‌خاطر شکست ایرانیان در این نبردها در بخش غربی ایران به وجود آمده بود، خواهان صلح و آرامش بود و با این درخواست کاراکالا موافقت کرد. اردوان جشنی تدارک دید ولی کاراکالا با سپاهی ویرانگر به سمت ایران راهی شد، به گفته موسی خورنی، کاراکالا در راه به ارمنستان و اربیل حمله برده و حتی در کمال وقاحت به گورهای اشکانی نیز رحم نکرد و به آنان بی‌احترامی نمود. بعد از مرگ کاراکالا، جانشین وی؛ مارکینوس، خواستار صلح با اردوان شد و به این منظور اردوان خواستار ترک میان‌رودان توسط رومیان و پرداخت غرامت از طرف ایشان به دولت ایران شد. رومیان این پیشنهادها را نپذیرفتند و به‌دنبال آن نبردی دیگر میان ایران و روم درگرفت. اشکانیان در این پیکار پر اهمیت از روش جنگ و گریزی که مخصوص آنها بود و به کمک آن در نبردهای بزرگی مانند نبرد حران پیروز شده بودند، استفاده کردند. دو روز آغازین نبرد هیچ یک از دو سپاه بر دیگری چیره نشد ولی در روز سوم سپاه ایران کاملاً پیروز شد. رومیان در پی این شکست درخواست صلح نمودند و حاضر به پرداخت غرامتی سنگین به اشکانیان شدند. رومیان درخواست دیگر اردوان مبنی بر تخلیه میان‌رودان را رد کردند و دولت اشکانی چون با بحران‌های بسیاری روبه‌رو بود، از این درخواست خود چشم‌پوشی کرد (Patterson, 2013: 180-183).

بعدها در زمان ساسانیان؛ در دوران فرمانروایی نرسه، این پادشاه ساسانی درصدد تهدید روم برآمد و مسئله ارمنستان را بهانه شروع کشمکش ساخت. در آغاز کار تیرداد سوم، پادشاه اشکانی ارمنستان را که برنشانده روم بود و در زمان بهرام دوم بر بخشی از ارمنستان تحمیل شده بود، از آنجا بیرون کرد. در پی آن، امپراطور روم برای حمایت از تیرداد سپاهی را به فرماندهی گالریوس به سمت ارمنستان گسیل کرد که در شمال بین النهرین از سپاه نرسه شکست خوردند. یک سال بعد نرسه عازم ارمنستان گشت و سرانجام سپاه نرسه از رومیان شکست خورد که در پی آن خانواده نرسه به اسارت رومیان درآمدند و وی برای نجات آنها شرایط سنگینی را که روم برای صلح پیشنهاد می‌کرد، بپذیرد (Zarrinkoob, 1985: 447). در این زمان ساسانیان در جنگ علیه رومیان از فیل استفاده می‌کردند (Charles, 2007: 302). در آخر عهدنامه‌ای بین ایران و روم بسته شد و صلح بین دو کشور قریب به چهل سال دوام یافت (Christensen, 1988: 258).

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- سکه‌شناسی

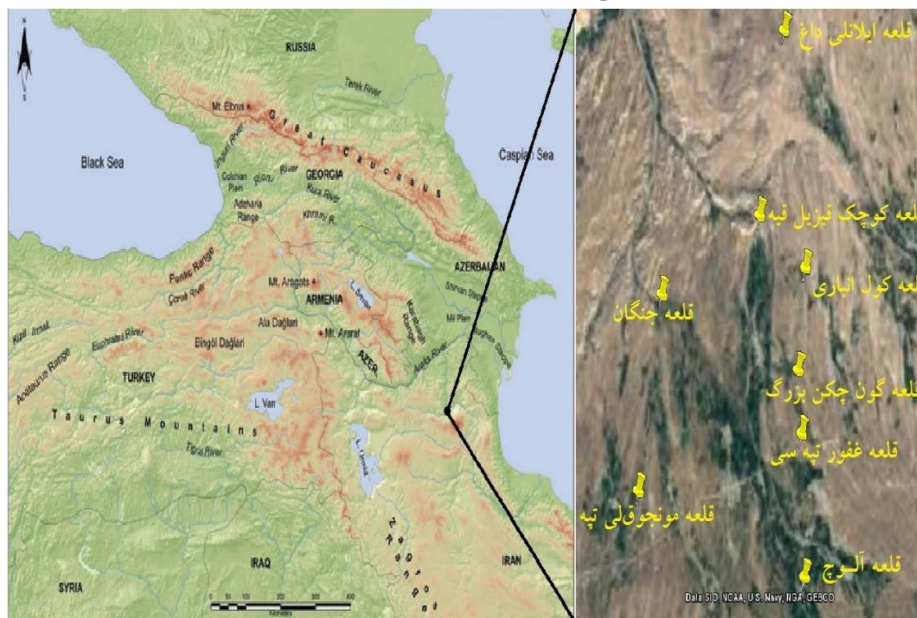
رومیان برای موفقیت‌های خود سکه ضرب می‌کردند و گاهی موفقیت به‌دست آمده را بزرگتر از واقعیت نشان می‌دادند. بررسی سکه‌های ضرب شده آنان پس از ورود به مناطق شرق دریای مدیترانه و غرب آسیا، حاکی از آن است که آنان فقط به مناطقی که در جنگ با ایران برایشان اهمیت استراتژیک داشت، از جمله آنها سکه‌هایی است که برای سرزمین یهودیان، برای مصر و برای ارمنستان در زمان تسلط بر آن سرزمین و در مواردی نیز بر اساس شرایط به وجود آمده بین روم و ارمنستان، به نشانه دوستی و گاه اتحاد با آن کشور ضرب شده بودند (Hovsepian, 2011: 1). در بسیاری از این موارد، امپراطوران رومی، با ضرب سکه به‌صورتی که در روی سکه تصویر پادشاه روم و در پشت سکه تصویر تاج پادشاه ارمنستان نقش بسته بود، خواستار رساندن پیام اتحاد ارمنستان با وی به اشکانیان بودند. در سکه‌های ضرب شده در دوره آنتونیوس (مارک آنتونی) و اکتاویوس، تصویر تاج خاندان آرداشسیان، نماد ارمنستان استفاده شده که همین نوع تاج را در سکه‌های تیگران کبیر در ارمنستان مشاهده می‌کنیم (Hovsepian, 2011: 2).

جنگی دیگر، در زمان فرهاد چهارم، آنتونیوس از طریق خاک ارمنستان وارد ایران شد ولی پادشاه ارمنستان در غیاب با فرهاد چهارم متحد شد و این اتحاد موجب شکست رومیان از ایران شد. در این میان آنتونیوس از درگیری بین فرهاد چهارم با پادشاه ماد آتروپات، استفاده کرد و به ارمنستان لشکر کشید، این پیروزی بر ارمنستان، به قدری برای رومیان اهمیت داشت که در اسکندریه مصر برای آن سکه ضرب کردند که در پشت سکه شاهد تصویر تاج پادشاه ارمنستان هستیم (Welski, 2012: 164-165). اکتاویوس بعد از پیروزی بر آنتونیوس فرزندان پادشاه ارمنستان را که در اسکندریه به اسارت رومیان درآمده بودند به روم منتقل کرد. در همین زمان فرزند دیگر آرتاواز (پادشاه ارمنستان)، به نام آرداشس که به ایران پناه برده بود توانست با کمک فرهاد چهارم، ارمنستان را از تسلط رومیان خارج کرده و انتقام خون پدر را گرفته و نیروهای رومی را نابود سازد و نهایتاً حکومت ارمنستان را در دست بگیرد (Hovsepian, 2011: 4).

پس از تثبیت موقعیت روم در شرق، اکتاویوس تا ۹ ق.م درگیر جنگ با قبایل اسپانیا و ژرمن شد. غیبت طولانی وی نفوذ روم را در شرق کمزنگ ساخت. این موضوع در سکه ضرب شده در زمان جانشین تیگران سوم؛ یعنی، تیگران چهارم مشخص شده چرا که روی سکه تصویر اکتاویوس و در پشت سکه تصویر تیگران چهارم و القاب وی به زبان یونانی بر آن ضرب شده. در ۱۸ م. اردوان سوم یکی از اشراف اشکانی به نام زنون آرداشس را به پادشاهی ارمنستان منصوب ساخت. زنون با توجه به حضور نیروهای نظامی روم در آسیا برای حفظ جانب احتیاط و به نشانه تأیید حکومتش بر ارمنستان از تیبریوس درخواست تاج کرد. این احتیاط به این دلیل بود که به فرمان تیبریوس تمامی حکومت‌های محلی آسیای صغیر به اشغال مجدد روم در آمده و حاکمان آنان از حکومت برکنار و این مناطق عملاً به استان‌های روم تبدیل شده بودند. از آنجا که تیبریوس نیز نمی‌خواست جنگی جدید را با ارمنستان و ایران آغاز کند لذا سیاستی محتاطانه در پیش گرفت و با درخواست زنون موافقت کرد و برادرزاده خود و فرمانده ارتش شرق، ژرمانیوس را برای تاجگذاری زنون به آرتاشات، پایتخت ارمنستان، فرستاد. ژرمانیوس زنون را، که مورد قبول ارمنیان بود بانام آرداشسوم پادشاه ارمنستان اعلام و به این مناسبت نیز سکه ضرب کرد (Welski, 2012: 184-186).

۲-۴- قلعه‌های اشکانی حوزه مشگین شهر

حضور تعداد زیاد قلعه‌ها، تپه‌های استقراری و گورستان‌های اشکانی در حوزه رودخانه‌ی مشگین چای بی‌شک نشان از رویدادهای می‌دهد که تا به حال از چشم محققین دور بوده است. به اعتقاد نگارندگان دو عامل اصلی در توجیه این محوطه‌های باستانی وجود دارد: ۱- برای دفاع در مقابل حملات شاهک‌نشینان ارمنستان و رومی‌ها؛ ۲- برای یورش و حملات مکرر به ارمنستان و مطیع کردن سرزمین‌های ماوراء رودخانه ارس. در راستای این فرضیه تعداد ۸ قلعه (نقشه شماره ۱) مربوط به دوره اشکانی و ادوار پیشین در اطراف مشگین شهر مورد مطالعه میدانی قرار گرفت، در زیر به شرح آنان پرداخته می‌شود.



نقشه شماره ۱: موقعیت قرارگیری قلعه‌های اشکانی در حوزه رودخانه مشگین چای (Authors).

قلعه کوچک قیزیل قیه: قلعه کوچک قیزیل قیه به فاصله ۱۷ کیلومتری غرب شهر مشگین شهر و ۲/۴ کیلومتری شمال روستای احمد بیگلو واقع گردیده و دارای وسعتی در حدود

۲/۶ هکتار است. این قلعه بر بالای یک کوه کم ارتفاع قرار دارد. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در ضلع جنوبی و شرقی قلعه، مشخص شد که قطر دیوار در این قسمت در حدود ۳ متر می‌باشد. این در حالی است که در قسمت‌های شرقی و شمالی قلعه به دلیل وجود شیب تند دامنه کوه و وجود پرتگاه (به‌عنوان عوامل طبیعی دفاعی) قطر دیوار دفاعی در حدود ۲ متر می‌باشد. در قسمت جنوبی از برج‌های نیمه مدور استفاده شده است. به‌نظر می‌رسد که پلان و ابعاد تمامی این برج‌ها شبیه به یکدیگر بوده و قطرشان در طول دیوار دفاعی ۷/۲۰ متر و بیرون آمدگی آنها ۳/۷۰ متر بوده است. نکته جالب توجه در قرارگیری این برج‌ها در این بوده که فاصله میان برج‌ها استاندارد خاصی رعایت نشده و معماران قلعه با توجه به تجارب شخصی و میزان نفوذپذیری که می‌توانست دیوار قلعه داشته باشد فاصله میان این برج‌ها را انتخاب نموده‌اند. دیوار قلعه در اضلاع مختلف قلعه، در یک راستا حرکت نکرده و حرکت در راستای شیب طبیعی تپه به‌منظور افزایش استحکام دیوار و تقویت قابلیت‌های تدافعی آن بوده است. نکته جالب توجه در ساخت دیوار دوم است و دیوار سوم است؛ که دیوار در داخل دیوار اول و به فاصله ۱۵ ساخته شده و همانند دیوار دفاعی اول و به‌منظور تقویت قابلیت‌های تدافعی از پشتیبان‌های نیمه مدور استفاده شده است. به‌نظر می‌رسد که پلان و ابعاد تمامی این پشتیبان‌ها شبیه به یکدیگر بوده و قطرشان در طول دیوار دفاعی ۴/۲۰ متر و بیرون آمدگی آنها ۲/۲۰ متر بوده است (Hajizadh and Rezaloo, 2015: 100).

قلعه ایلانلی داغ: قلعه ایلانلی داغ به فاصله ۱۱/۵ کیلومتری شمال‌غربی شهر مشکین شهر و ۱۷۰۰ متری شمال‌غربی روستای قره باغ‌لار بر بالای یک کوه کم ارتفاع واقع شده است. دارای وسعتی در حدود ۶/۵ هکتار است. نفوذپذیرترین قسمت قلعه، ضلع جنوب‌غربی آن بوده است، که معماران قلعه با ایجاد دیوار دفاعی به قطر ۳/۵ متر، این فضا را پوشش داده‌اند. همچنین از جمله نفوذپذیرترین قسمت‌های دیگر قلعه ضلع شمالی آن بوده که با دیوار دفاعی به قطر ۶ متر پوشش داده شده است. ضلع غربی قلعه را دو تپه‌ی بلند قرار گرفته در دامنه غربی کوه ایلانلی داغ فرا گرفته است که در این قسمت دیوار دفاعی بر روی رأس و دامنه این تپه‌ها حرکت نموده است و قطر دیوار دفاعی به‌دلیل استفاده از شیب این تپه‌ها کم شده است و در حدود ۲ متر

ساخته شده است. در قسمت شرقی و شمال شرقی نیز دیوار دفاعی به دامنه‌های پرتگاهی شرقی و غربی کوه ایلانی داغ متصل گردیده است و از شیب و پرتگاه‌های طبیعی به منظور ایجاد عوامل دفاعی استفاده شده است. دیوار قلعه در اضلاع مختلف قلعه، در یک راستا حرکت نکرده و حرکت در راستای شیب طبیعی تپه به منظور افزایش استحکام دیوار و تقویت قابلیت‌های تدافعی آن بوده است (Ibid: 165).

قلعه کول انباری: به فاصله ۱۶/۵ کیلومتری غربی شهر مشگین‌شهر و ۱/۳ کیلومتری شرق روستای احمد بیگلو، ۱/۴ کیلومتری جنوب غربی روستای زیرزمین، ۱/۱ کیلومتری غربی روستای میرکندی واقع شده است. ضلع شرقی تپه به صورت شکاف ما بین تپه ماهورها بوده است که این شکاف حائل بین قلعه و تپه ماهورها و تراس‌های اطراف قلعه است. ضلع شمالی قلعه کوچک و باریک بوده و به تراس مشرف به رود مشگین چایی ختم می‌شود. ضلع غربی تپه نیز با شیب تند به تراس مشگین چایی منتهی می‌گردد. ضلع جنوبی نیز به تپه ماهورها متصل به قلعه منتهی می‌شود. بر روی سطح تپه آثار و رد دیوار دفاعی درون قلعه قابل مشاهده است. سطح تپه تراس‌بندی شده و صاف گردیده است. دروازه ورودی قلعه در سمت شرقی قلعه قرار گرفته است و در دامنه تپه قرار گرفته است. قطر دروازه ورودی به طول ۵/۲۰ متر بوده که در دو طرف آن دو برج محل نگهبانی بوده است. عرض برج سمت شمالی در طول دیوار دفاعی حدود ۶ متر و بیرون آمدگی آن از دیوار ۹/۸۰ متر می‌باشد. عرض برج سمت جنوبی دروازه حدود ۶ متر بوده و بیرون آمدگی آن از دیوار دفاعی حدود ۱۰/۲۰ متر می‌باشد (Ibid: 477).

قلعه گون چکن بزرگ: به فاصله ۱۶/۵ کیلومتری غربی شهر مشگین‌شهر و ۱/۵ کیلومتری جنوب شرقی روستای احمد بیگلو واقع شده است. این قلعه بر فراز یک تپه بلند طبیعی که کشیدگی تپه به صورت جنوب شرقی - شمال غربی است. در قسمت جنوب شرقی روستای احمد بیگلو و به فاصله ۱/۵ کیلومتری از آن قرار گرفته است. این محوطه در سمت شرقی رود مشگین چایی و به فاصله ۲ کیلومتری از آن واقع شده است. شیب تپه‌ای که قلعه بر بالای آن ساخته شده از سه جهت شمال شرقی، شمال غربی و جنوب غربی بسیار تندی باشد تنها راه دسترسی قلعه از سمت جنوب شرقی بوده که به تپه ماهورها اطراف متصل است. دروازه

ورودی قلعه در این سمت قرار داشته است. دیوار دفاعی قلعه از سنگ‌های بزرگ به صورت خشکه چین کار شده است و در جداره درونی و بیرونی سنگ‌های بزرگ کار شده و درون بین این سنگ‌ها، با سنگ‌های کوچک پر شده است. قلعه با توجه به وضعیت برج‌ها به نظر می‌رسد که مربوط به دوره اشکانی باشد. در ضلع جنوب غربی و آغاز ضلع جنوبی قطر دیوار دفاعی در حدود ۵ متر است. برج‌ها به شکل نیم دایره‌ای در طول دیوار دفاعی کار شده‌اند که از شاخصه‌های قلعه‌های اشکانی می‌تواند باشد (Ibid: 493).

قلعه غفور تپه سی: به فاصله ۸ کیلومتری غربی مشگین‌شهر و در شمال روستای هیق واقع شده است. ضلع شرقی قلعه به تپه ماهورهای اطراف و تراس روی تپه ماهورها متصل می‌باشد و به نظر می‌رسد که تنها راه نفوذ به درون قلعه از این طرف بوده است. محوطه دارای دیوار دفاعی و برج و باروست، به طوری که برج شماره ۱ در ضلع جنوب شرقی قرار گرفته است. به فاصله ۱۱ متری از این برج، برج شماره ۲ قرار گرفته است. این فاصله برای برج‌های دیگر نیز رعایت شده است. این برج‌ها نیم دایره‌ای هستند و از نوع برج‌های دوره اشکانی هستند. قطر دیوار دفاعی که برج‌ها در آن ساخته شده‌اند در حدود ۳/۵ متر می‌باشد. عرض برج‌های نیم دایره‌ای در طول دیوار حدود ۷/۶۰ متر و بیرون آمدگی آنها از دیوار حدود ۵ متر می‌باشد (Ibid: 530).

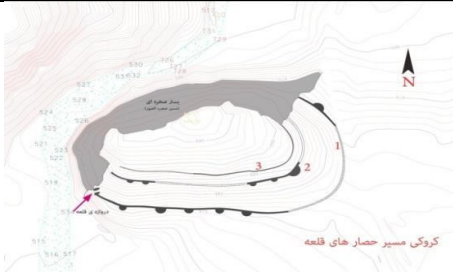
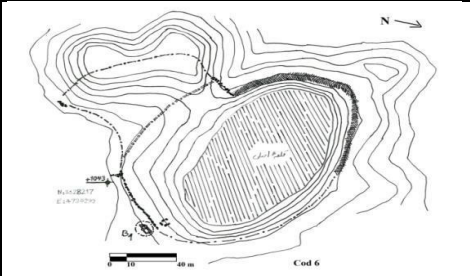
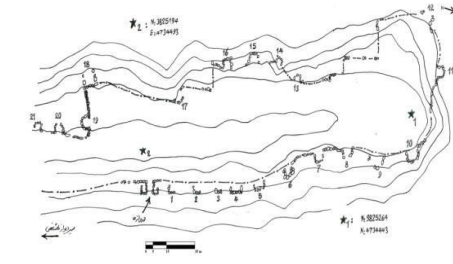
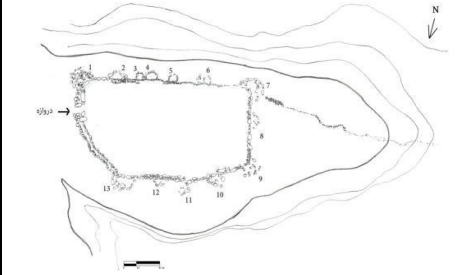
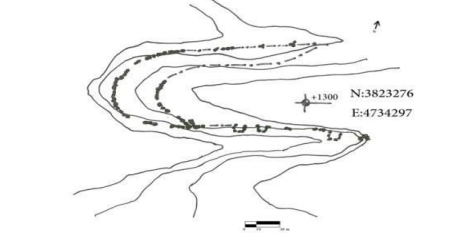
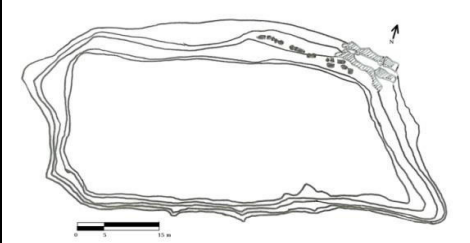
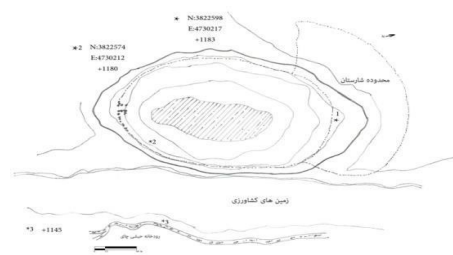

قلعه جنگان: به فاصله ۱۸/۵ کیلومتری غربی مشگین‌شهر و ۵/۱ کیلومتری شمال غرب روستای مونجوقچی واقع شده است. تپه باستانی به صورت یک قلعه اقماری کوچک که در سمت ضلع شرقی رودخانه حبشه چایی و در زمین‌های روستای احمد بیگلو و به فاصله ۵ کیلومتری شرقی این روستا قرار گرفته است. محوطه باستانی بر روی یک برجستگی طبیعی و صخره‌ای قرار گرفته است. به نظر می‌رسد که این محوطه یک قلعه کوچک از دوره اشکانی است. آثار دیوار دفاعی در ضلع جنوبی محوطه به قطر ۲/۸۰ متر قابل مشاهده است (Ibid: 547).

قلعه مونجوقلی تپه: به فاصله ۱۴ کیلومتری غربی شهر مشگین‌شهر و واقع شده است و در ۶۰۰ متری جنوب غربی روستای حبشه واقع شده است. این محوطه در دوره آهن به یکی از قلاع اقماری قلعه قیزیل قبه تبدیل شده است. چون بر روی آن آثار یک قلعه کوچک با دیوار

دفاعی که در خط‌الرأس تپه امتداد داشته، دیده می‌شود. آنچه که در این محوطه جالب توجه این است که در دوره اشکانی تا دوره سلجوقی ادامه استقرار در این محوطه قابل مشاهده است. قطر دیوار دفاعی که در دوره آهن در محوطه ایجاد گشته در حدود ۳ متر می‌باشد که در دامنه تپه دور تا دور تپه چرخیده است. دروازه ورودی قلعه در سمت جنوبی آن قرار داشته است (Ibid: 584).

قلعه آلوج: به فاصله ۱۰ کیلومتری غربی شهر مشگین‌شهر و در داخل روستای آلوج واقع شده است. به نظر می‌رسد که استقرار اولیه آن متعلق به عصر آهن ۱ بوده که از قلعه‌های اقماری دوره آهن بوده و در دوره اشکانی نیز استقراری در آن صورت گرفته است، چون برج‌های نیم دایره‌ای دوره اشکانی در آن قابل مشاهده است. دیوار دفاعی با مصالح سنگی و به صورت خشکه چین کار شده است. در دو جداره درونی و بیرونی با سنگ‌های بزرگ کار شده و قسمت میانی دو جداره به وسیله سنگ‌های کوچک پر شده است. این دیوار دور تا دور قلعه را در بر گرفته است. قطر دیوار دفاعی در حدود ۳/۵ متر است. فاصله برج‌ها از یکدیگر ۲۷ متر و طول برج‌ها در طول دیوار دفاعی ۹ متر و بیرون آمدگی این برج‌ها از دیوار دفاعی ۵ متر می‌باشد (Ibid: 636).

جدول ۱: پلان قلعه‌های اشکانی حوزه رودخانه مشکین‌چای در حوزه شهر مشکین

اسم قلعه	پلان قلعه	اسم قلعه	پلان قلعه
قلعه کوچک قیزل قیه		قلعه ایلاتلی داغ	
قلعه کول انباری		قلعه گون چکن بزرگ	
قلعه غفور تپه سی		قلعه‌ای جنگان	
مونجوق- لی تپه		قلعه آلوج	

(Ibid)

۵- تجزیه و تحلیل

در بررسی قلاع یاد شده علاوه بر مشاهده گورهای اشکانی، می‌توان وجود سفال‌های شاخص اشکانی را دال بر تأیید اشکانی بودن این قلاع دانست. شاخصه‌های دیگری که در اغلب قلاع می‌توان دید شامل: برج‌های نیم دایره‌ای، دیوارهای تودرتو، استفاده از روش یکسان برای ساخت دیوار به صورت خشکه‌چین و استفاده از عارضه‌های طبیعی برای دفاع. به دلیل نبود مطالعات میدانی و سایر موانع دیگر تا به حال محوطه‌های اشکانی کمی در اردبیل مورد مطالعه قرار گرفته است؛ اما با وجود این قلاع و سایر تپه‌های استقرار و گورستان‌های اشکانی موجود در مشگین‌شهر به نظر می‌رسد این مکان‌ها و سایر مکان‌های شمال غرب ایران دارای موقعیت سوق‌الجیشی در مقابله با شاهک‌نشین‌های ارمنستان بوده است، به طوری که به احتمال فراوان دو عامل "دفاع و حمله" بیشترین نقش را در شکل‌گیری این محوطه‌ها داشته است. در مقابل شاهک‌نشین ارمنستان نیز دارای جایگاه مهمی نزد دولت اشکانی و روم بوده، به طوری که عامل‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی مهمترین جنبه‌های ارمنستان بوده که موجب کشمکش طولانی مدت میان ایران و روم گردیده است.

۶- نتیجه‌گیری

ارمنستان به دلیل موقعیت مهم سوق‌الجیشی و ژئوپلیتیکی خود در طول تاریخ، دارای اهمیت زیادی بوده است؛ به همین دلیل دست‌یابی یا کنترل بر آن توسط هر یک از قدرت‌های بزرگ دنیای باستان، تهدیدی جدی برای دولت مقابل تلقی می‌شد. این کشور به دلیل موقعیت جغرافیای خاص خود، در واقع به عنوان حائلی میان سه کشور آذربایجان، ایران و بین‌النهرین و بعضاً به دلیل گستردگی بی‌حد و حصر قلمرو رومیان در برخی از ادوار، هم‌مرز با این کشور بوده است. جغرافیای این کشور به گونه‌ای بود که زیر سلطه قرارگرفتن آن توسط رومیان می‌توانست تهدیدی جدی برای اشکانی‌ها به حساب آید. در واقع دولت روم چنانکه بر تحرکات ایران در ارمنستان تسلط کافی نداشت، ایران می‌توانست آسیای صغیر را مورد تهدید قرار دهد، هرچند پادشاهان اشکانی در پی ایجاد امنیت و آرامش در

ارمنستان و به تبع آن بهبود وضعیت اقتصادی و سیاسی کل قلمرو خویش بودند. به بیان دیگر موقعیت این کشور به گونه‌ای بود که روم را در دست‌یابی به اهداف خویش کمک کرده و روند توسعه‌طلبی این امپراتوری را تسریع می‌بخشید، اهدافی چون احیای قلمرو اسکندر مقدونی در شرق، تسلط بر جاده ابریشم و به دنبال آن تسلط و حکمرانی بر تجارت جهان. از نقطه نظر نظامی نیز می‌توان اظهار داشت، روم، با توجه به کوهستانی بودن ارمنستان و مانع طبیعی بودن آن در برابر حملات سواره نظام ماهر اشکانی، اصرار به تسلط بر این کشور داشت، چرا که در هنگام بروز خطر می‌توانست سپاه روم را از تیررس نظامیان اشکانی در امان نگاه دارد. به نظر می‌رسد که با شروع درگیری‌ها و جنگ‌ها با رومی‌ها که تقریباً از زمان ارد به اوج خود رسید و در طی آن کراسوس در جنگ با سورنا سردار پارتی، شکست خورده و کشته شد، رومی‌ها به این واقعیت پی بردند که امکان جنگ با پارتی‌ها در دشت‌ها وجود ندارد. زیرا سواره نظام پارتی در دشت‌ها امکان جولان و تحرک فراوانی دارد. به همین دلیل بعد از این شکست، رومی‌ها برای نفوذ به ایران مسیرهای کوهستانی ارمنستان را از سمت شمال غرب در پیش گرفتند. به گونه‌ای که در زمان فرهاد چهارم مارک آنتونی از شمال غرب و مسیرهای کوهستانی وارد آذربایجان شده و فراسپه مرکز این ایالت را مورد محاصره قرار داد که هرچند با شکست توأم شده، ولی نشان دهنده این واقعیت بوده که رومی‌ها از مسیرهای کوهستانی که امکان تحرک برای سواره نظام پارتی کمتر بوده، به منظور نفوذ به ایران استفاده نموده‌اند.

در پی این درگیری‌ها دولت اشکانی به منظور تقویت و جلوگیری از هجوم رومی‌ها از شمال غرب به ساخت قلعه‌ها در مسیرهای ورودی از میان کوه‌ها پرداخته‌اند. در بررسی‌های صورت گرفته در حوزه رود مشکین‌چایی تعداد ۸ قلعه اشکانی به دست آمده است. به نظر می‌رسد که اشکانی‌ها به منظور مقابله با نفوذ رومی‌ها در طی این مسیرهای کوهستانی به درون امپراتوری به ساخت و استفاده از این قلعه‌ها پرداخته‌اند. در نقطه مقابل این نظریه می‌توان گفت دولت اشکانی به خاطر اینکه ارمنستان از ثبات سیاسی دائمی برخوردار نبوده و دائماً تنش‌ها و درگیری‌هایی در آن صورت می‌گرفت، نیاز داشت تا در سریع‌ترین زمان

_____ تحلیل چشم‌انداز ژئوپلیتیک ارمنستان در دوره اشکانی ... ۲۲۷

ممکن نیروی‌های را به ارمنستان اعزام دارد که از منافع خود در این سرزمین در مقابل رومی‌ها صیانت کند. به‌همین خاطر می‌توان وجود این قلعه‌ها را به دو عامل دفاع و حمله مرتبط دانست.

۷- قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اردبیل به‌خاطر فراهم آوردن زمینه‌های مطالعات میدانی این پژوهش تشکر و قدردانی نمایند.

References

- Ahmadi, Farjallah; Hossein Talai, Parvis (2013), The results of Armenia dividing between Iran and roman in the Sassanid period 387-428 BC, Journal of History of Islam and Iran, Volume 23, Issue 17: 1-23[in Persian].
- Ajdari, Behrooz (2005), Geography and Military Geography Looking for new Meaning, A Research Quarterly in Military Management, Volume 19: 79-100 [in Persian].
- Aqalari, Bayram; DehPahlavan, Mostafa (2011), Cultural Characteristics of North-Western Iran During Parthian Period With a View to Findings of the Second Season of Explorations in the Old Mound of Pāsgāh Tappeh Si, Journal of Archaeology Studies, Volume 3, Issue 1, Summer and Autumn 2011, Page 15-43 [in Persian].
- Behzadi, Roghayh (2003), Ancient nations in the Caucasus, Transcaucasia, Mesopotamia and the Fertile Crescent, Tehran, Nay Publication [in Persian].
- Charles. M. B. (2007), The rise of the Sassanian Elephant corps: Elephants and the later Roman Empire, Iranica Antiqua, Vol. XLII.
- Christensen, Arthur (1988), Iran during the Sassanid era, Tehran, Amir Kabir Publication [in Persian].
- Dyakonov I.M. (1999), Parthian history, Translated by: karim keshavarz, Publication payam [in Persian].
- Ghadyani, Abbas (2005), Iranian History, Culture and Civilization in Seleucids and Parthian period, Tehran, Written culture [in Persian].
- Gheysari, N.A.; Goudarzi, Mahnaz (2009), Iran-Armenia Ties: Opportunities And Obstacles, Journal Of Central Eurasia Studies, Volume 2, Number 3: 121-144 [in Persian].
- Ghirshman, Roman (1993), Iran from Beginning to Pre Islamic period, Tehran, Scientific and Cultural Publication [in Persian].
- Ghrishman, Roman (1993), Iranian art cultures in Prehistoric, Median Art, Achaemenid Art and Parthian Art. Tehran, moly publication [in Persian].
- Giragosian, R. (2009), Armenia at a Strategic Crossroads, The Quarterly Journal.
- Gutschmid, Alfred (2000), Iranian and neighboring countries History from Alexander to the extinction of Parthian, Translated by: jahandari, keykavos, Tehran, Scientific and Cultural Publication [in Persian].
- Hajizadh, Karim; Rezaloo, Reza (2015), Landscape Archaeological Studies of Ahmad Bailo Dam, Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization of Ardabil Province, Unpublished [in Persian].
- Hossein Talai, Parvis (2009), the Problem of Armenia in the beginning of the Sassanid, Monthly Chista, Volume 266, 267: 86-98 [in Persian].
- Hovsepian, Shahen (2011), Armenia history with attention to the Roman coins, Payman Cultural Quarterly Journal, Volume 15, Issue 58:1-13 [in Persian].
- Javadi Arjmand, Mohammad Jafar; Keykhosrow Dolatyari; Yazdan (2012), A Geopolitical Analysis Of Iran and Armenia Relationship Based on the Thomas

- Anderson Theoretical Framework and a Plan for a Regional Integration after the Process of Normalization of Turkey- Armenia Relationship, International Quarterly of Geopolitics, Volume 8, Number 2(26): 192-223 [in Persian].
- Javadi, Shohreh (2014), The Continuity of Caucasus "Mithra" architecture's signs and remnants in the churches of Armenia and Georgia, Journal Bagh-e Nazar, Volume 11, Issue 31[in Persian].
 - Khademi Nodoshan, Farhang; Mohaghegh, Maryam; Hajbari Nobari, Alireza; masjedykhak, Parastoo (2015), Study in the Politico-Economic Condition of Parthians Between the 57-2 B.C, the Kingdom of 2nd Orod and 4th Farhad, Based on the Analysis of Chemical Compounds of Silver Coins Using PIXE Method, Journal of Archaeology Research Iran, Volume 5, Issue 8: 53-66 [in Persian].
 - Khorenatsi, Movses (2001), History of Armenia, Translated by: Baghdassarian, A, Tehran [in Persian].
 - Libaridian, Gerard (1981), Armenian Foreign Policy, Journal of Centerl Asia and the Caucasus Stuiies, Volume 9, Issue 33: 203-206 [in Persian].
 - Mahmoodabadi, Seyed Asghar (2004), silk road in the Civilization structure of three Government Iran, China, Ancient Roman (in the Parthian period), Esfahan Cultural Quarterly, Issue 27&28:7-14 [in Persian].
 - Manoukian, Arpi, (2008), Armenian and Parthian Dynasty, Payman Cultural Quarterly Journal, Volume 11, Issue 43:7-14 [in Persian].
 - Mehrabi, Alireza (2007), Geopolitics and the Government thought Evolution in Iran, Tehran, Entekhab Publication [in Persian].
 - Mirhaydar, Darh (1986), Decision Geography, a discussion of political geography, Quarterly of growth Geography, Volume7, pp: 1-41 [in Persian].
 - Mirhaydar, Darh; Hamidinia, Hossein (2006), Methodology and Concepts in Political Geography and International Relation: A Comparative Study, International Quarterly of Geopolitics, Volume 2, Number 1(3): 1-41 [in Persian].
 - MohammadiFar, Yaghoub (2000), Parthian Archeology and art, Tehran, SAMT Publication [in Persian].
 - Pigulevskaia, Nina Viktorovna (1998), Iranian Cities in Parthian and Sassanid Period, Translated by: Enayatalah, reza, Tehran, Scientific and Cultural Publication [in Persian].
 - Pirnia, Hassan (2004), History of Ancient Iran, Volume III, Publication Ekbatan [in Persian].
 - Rezaloo, Reza; Zabanband, Nasrin (2015), Yanik or Kura-Araxes Culture; Re-emphasizing the Kura-Araxes Culture Term Based on Pottery Statistic Analysis, Journal of Archaeology Research Iran, Volume 5, Issue 8: 7-20 [in Persian].
 - Roshandel, Jalil; Gholipoor, Rafik (1996), Politics and Government in Armenia, Tehran, Ministry of Foreign Affairs Publication [in Persian].
 - Tahami, Morteza; kaviani Rad, Morad (2015), The Iranian border the Toponymology From the point of Shahnameh Ferdosi, International Quarterly of Geopolitics, Volume 11, Number 2: 89-114 [in Persian].

- Toumanoff. C. (1963), Studies in Christian Caucasian History. Washington, D.C: Georgetown University Press.
- Ulubabian, B. (1991), Zroutsaran, Yerevan: [S.N], P. 114.
- Varjavand, Parviz (1999), Iran and Caucasus "Arran and Shirvan", Ghatreh Publication [in Persian].
- Vrstandik, Andre (2007), The Empire Parthian history, Translated by: Behfrozi, Mahmood, Tehran, Jami Publication [in Persian].
- Welski, Jozef (2012), Parthian Empire, Translated by: Saghebfar, Morteza, Tehran, Ghoghnoos Publication [in Persian].
- Yarahmadi, mehdi; Karimi, sadegh (2013), Randia Road; Payman Cultural Quarterly Journal, Volume 17, Issue 66:1-13 [in Persian].
- Zarrinkoob, Abdolhossin (1985), the history of People in the pre- Islamic, Tehran, Amir Kabir Publication [in Persian].